

سقوط

البر كامو

ترجمه شورانگيز فرخ



انتشارات نيلوفر

فهرست

۷	درباره نویسنده
۹	سقوط: قصه یحیای تعمیردهنده روزگار ما
۳۳	سقوط

یک طرف زیبایی است و، طرف دیگر، درهم شکستگان و پامال‌شدگان. هر قدر هم این کار دشوار باشد من می‌خواهم به هر دو طرف وفادار بمانم.^۱

عنوان مجموعه داستان‌های کوتاه کامو هبوط و ملکوت یا غربت و قرب، می‌تواند هسته اصلی زندگانی ادبی او را تا حدی روشن کند. گفته‌اند که کامو با وجود فقر پس‌رکی شاد است چرا که در زیر نور بی‌دریغ آفتاب شمال آفریقا تن به آب می‌زند، و با جوانان همسن و سال فوتبال بازی می‌کند و آرزوی او هم این است که دروازه‌بان بشود. در همین دوره تعلق خاطر به زیبایی‌ها و بهره‌بردن از حیات به شکل لذت‌های جسمانی در او ریشه می‌گیرد و تا آخر عمر یکی از مختصات کار ادبی و حتی فکری او می‌شود. وصف‌های دقیق و پرشکوه مناظر طبیعی در همه آثار او دیده می‌شود. از سوی دیگر، توجه به مردم فقیر به شکل تمنای عدالت برای همیشه در او نطفه می‌بندد. این همبستگی با مردم فقیر، حتی وقتی از جناح چپ می‌گسلد و به لیبرالیسم غربی امید می‌بندد، در او همچنان وجود دارد.

در این میان و در هفده سالگی به بیماری سل مبتلا می‌شود که تا آخر عمر رهایش نمی‌کند. جوانی که دل‌بسته جسم و مناظر زیبا و آفتابی الجزایر است، از این پس ناچار است با ضعف تن بسازد. پس، از سویی وصف زیبایی‌ها است و از سویی دیگر ناتوانی تن. آیا از میانه همین خواست حیات و ضعف تن نیست که پوچی سربرمی‌آورد، پوچی

حیات؟ وقتی مرسو، شخصیت اصلی رمان ییگانه، بی هیچ سابقه‌ای، شاید حتی بر اثر تابش آفتاب دست به قتل می‌زند، پوچی زندگی را بهتر از هر کس نشان می‌دهد.

از ۱۹۴۰، سال شکست فرانسه، آغاز دوره هبوط یا غربت یا تبعید کامو است به سرزمین مه و ابر و باران فرانسه که ورود به آن مصادف است با شکست فرانسه و شروع دوره اشغال. این دوره برای کامو و سارتر و دیگر روشنفکران دوره‌ای است طلایی، چراکه میان سخن روشنفکری و عمل، مشارکت در فعالیت‌های نهضت مقاومت، فاصله‌ای نیست، حتی می‌توان گفت که گفتن یا نوشتن نفس عمل است. از سوی دیگر داشتن هدفی ملموس، مبارزه با اشغالگران، همه را به یک صف کرده است تا شانه به شانه بجنگند. قیام پاریس و پایان دوره اشغال اوج این یگانگی در عرصه سخن و عمل است و در عین حال شروع جدایی‌ها. کامو با وجود اختلاف‌ها در کنار سارتر است و رمان ییگانه کامو همه‌جا متن مورد عنایت اگزیستانسیالیست‌ها. با شروع جنگ سرد و برملا شدن حقیقت دادگاه‌های شوروی و بالاخره درز کردن خبر وجود اردوگاه‌ها جدایی‌ها شروع می‌شود. سارتر در تقابل با امریکا و امپریالیسم اردوگاه‌ها را به چیزی نمی‌گیرد، اما کامو بر این حقیقت انگشت می‌گذارد و اندک‌اندک در تقابل با شوروی به نهادهای غربی دل می‌بندد و با انتشار انسان طاغی جنگ مغلوبه می‌شود، چراکه دوره طلایی یگانگی سخن و عمل گذشته است و خود سخن معانی متعدد را محتمل می‌کند.

تا اینجا ظاهراً و در درون برد با کامو است، اما وقتی شعله‌های انقلاب الجزایر پاریس‌نشینان را بیدار می‌کند، سارتر بی هیچ دودلی جانب انقلابیون را می‌گیرد. برای کامو جانب یکی از دو نیروی متخاصم را گرفتن به این سادگی‌ها نیست. او که خود از جانب پدر فرانسوی است و پدرش در جنگ اول و به‌خاطر فرانسه کشته شده، و مهمتر، در متن فرهنگ